

بیانات معظم له در دیدار مسؤولان و قشرهای مختلف مردم در روز ولادت پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع) - 14 / شهریور / 1372

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده هم متقابلاً این روز سعید را که میلاد پیامبر نور و آزادی و مظهر علو پایه‌ی انسانی و نیز میلاد فرزند برومند او امام جعفر صادق علیه‌الصلاة والسلام است، به همه‌ی مسلمانان عالم و به ملت عزیز ایران و به شما حضار گرامی و میهمانان، تبریک عرض می‌کنم.

ولادت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از چند نظر برای ما مسلمانان حائز اهمیت است. یعنی سالگرد بسیار با معنا و پرمضمونی است. جهت اول این است که ولادت آن بزرگوار، در دنیا و در تاریخ، در زمانی واقع شد که بشریت بر روی هم نه یک ملت خاص یا اهل کشور خاصی را عرض کنیم؛ بلکه مجموعه‌ی بشریت دو خصوصیت بارز داشت. یکی از این دو خصوصیت این بود که از لحاظ علمی و عقلانی و فکری، نسبت به آحاد بشر در ادوار گذشته‌ی خودش، بسیار پیشرفته بود. در میان آنها، فلاسفه‌ای پدید آمده و دانشمندانی پیدا شده بودند ریاضیدانها، پزشکان، مهندسين بزرگ و تمدنهایی سر پا شده بود. این تمدن‌ها، بدون علم که نمی‌شد! آکادمیها در غرب، هگمتانه‌ها در شرق، تمدن چین، تمدن مصر و تمدنهای بزرگ تاریخی، همه عبور کرده بودند. یعنی بشر، کامل شده بود. این، یک خصوصیت.

خصوصیت دوم که جمع این دو خصوصیت با هم، خیلی عجیب است این است که بشر در آن روز از لحاظ اخلاقی، از همیشه‌ی گذشته، منحطتر، یا اگر نخواهیم این نسبت را بیان کنیم، باید بگوییم: در اوج انحطاط بود. همین بشر برخوردار از علم و دانش، به شدت اسیر تعصبات، اسیر خرافات، اسیر خودخواهیها، اسیر ظلم و ستم و اسیر دستگاههای حکومتیهای مردم‌کش و ضدبشری بود. چنین وضعی در دنیا حاکم بود. کسی اگر تاریخ را ملاحظه کند، خواهد دید که در آن دوران، همه‌ی بشریت اسیر بودند. همان‌طور که در کلام امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة والسلام است که «فی فتن داستهم بأخفافها و وطئتهم باظلافها و قامت علی سنا بکها. (53)» در نهایت فتنه و فشار و مشکلات و برادرکشی. بشر زندگی تلخی را می‌گذرانید. «نومهم سهود.» در همین خطبه، امیرالمؤمنین می‌فرماید: «خواب راحت به چشم مردم نمی‌آمد.»

اشتباه است اگر کسی خیال کند که این مشکلات، مخصوص همان جزیره‌العرب بوده است؛ نه. در مهد تمدن آن روز دنیا، یعنی در کشور روم آن روز هم که شما نگاه کنید، همین حرفها بود. آن‌جا هم که آن روز، به اصطلاح، ادعا می‌کردند دموکراسی و مجلس سنا دارند، استبدادها و فسادهایی بر مردم حاکم بود، که شما وقتی کتاب آن را بخوانید، پیش خودتان خجالت می‌کشید. انسان شرم می‌کند که بشر در روزگاری، دچار چنین انحطاطی بوده است. ایران باستان ما هم، از این جهت بهتر از روم نبود. اینها هم، قدرت و شمشیر و نیزه و جنگاوری و سلحشوری و از این چیزها داشتند؛ اما اختلاف طبقاتی و ظلم و تبعیض و فساد و زورگویی و جهل و خرافه هم، بی‌حد و اندازه داشتند. در چنین شرایطی، این مولود مبارک و این پیام‌آور الهی، برای نجات بشریت پا به عرصه‌ی وجود گذاشت.

این‌که در آثار و تواریخ هست که کنگره کاخ کسری شکست و نشانه‌های بت‌پرستی و شرک در گوشه و کنار دنیا متزلزل شد، اگر این آثار قطعیت داشته باشد، شاید همان قدرت‌نمایی الهی است، برای اعلام رمزی حضور این قدرتی که قرار است همه‌ی پایه‌های ظلم و فساد را درهم بشکند و علم را از خرافه و تمدن را از فساد و ظلم، پاک و آراسته کند. این کار را پیغمبر بزرگوار ما کرد. این مولود مقدس، در هنگام بعثت بزرگ خود، با چنان دنیایی روبه‌رو شد و با

جهادی بسیار دشوار، انسانیت را از جهل، از خرافات، از فساد، از ظلم، از تعصبات دودمان برانداز، از زورگویی انسانها به یکدیگر و ستم انسانها و سوار شدن آنها بر دوش یکدیگر، جلوگیری کرد. اصلاً بساط بشریت را دگرگون کرد. يك بساط جدید و يك وضع جدید را در دنیا به وجود آورد. بدیهی است که کار پیغمبر خاتم صلی الله علیه وآله وسلم، این نبوده است که همه‌ی دنیا را اصلاح کند. نه! آن بزرگوار بایستی این مستوره عملی را، این نمونه‌ی درست را از وحی الهی می‌گرفت و به بشر می‌داد، تا بشر در طول زندگی خود آن را به کار بندد، و از آن لحظه به لحظه استفاده کند. این که چه کسی به کار بست و چه کسی ضایع کرد، بحث دیگری است. آن بزرگوار، رسالت خود را به تمام انجام داد و کار خود را کامل کرد و به جوار رحمت الهی پیوست.

امروز هم، از این جهت این سالگرد مهمّ است که توجه کنیم دنیا، هم از لحاظ علمی جلو و پیشرفته است، هم از لحاظ اخلاقی به شدت در حسیض است. کار دنیا به جایی رسیده است که قدرتهای زورگوی عالم، جلو چشم مردم دنیا، معروف را منکر و منکر را معروف می‌کنند! به نظر من، در عالم فساد و تباهی بشریت، هیچ چیز دیگر بالاتر از این نیست. این که پیغمبر اکرم طبق روایت فرمود: «کسانی پیدا خواهند شد که امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند» و مردم که تعجب کردند، فرمود: «منکر معروف خواهد شد»؛ انسان احساس می‌کند که امروز هم در دنیا چنین وضعی را دست قدرت مادی استکباری لجام گسیخته‌ی متکبر متفرعن زورگوی استکبار به وجود می‌آورد. رو راست به مردم دروغ می‌گویند و این دروغ را يك کار مقدّس می‌شمارند! ظلم را تشویق می‌کنند و ظالم را به خاطر این ظلم، ذی‌حق به حساب می‌آورند! مظلوم را نکوهش می‌کنند و بر سر مظلوم می‌زنند و این بر سر مظلوم زدن را کاری خوب به شمار می‌آورند!

امروز در دنیا این‌گونه شده است. يك عده رفته‌اند فلسطین را غصب کرده‌اند و به غصب فلسطین هم اکتفا نکرده‌اند. مسلمانان فلسطینی را در طول چهل و چند سال، مرتباً زیر فشار قرار داده‌اند و آوارگی و کشتار و تحقیر و تذلیل به وجود آورده‌اند. این، يك منکر واضح است. کیست، که اگر کسی به خانه‌ی شما وارد شود و بر سر شما بزند، او را تخطئه نکند؟! ظالم را باید تخطئه کرد. امروز شما ملاحظه بفرمایید: قدرتهای اروپایی، امریکا و نوکرهایشان؛ آنهایی که ریششان دست این قدرتها و شانه‌شان زیر بار آنهاست؛ حکومتهایی که به انگشت امریکا بر سر کار آمده‌اند و با ملتهای خودشان ارتباطی ندارند، همه دست به دست داده‌اند تا کار این ظالمی را که با این وضوح این ظلم را کرده است و ادامه می‌دهد، تصویب کنند. از آن طرف جوانان مسلمانان به ستوه آمده‌ی جان به لب رسیده‌ی فلسطینی و لبنانی، وقتی با این ظالم و ستمگر، جهادی می‌کنند که در نظر همه‌ی عقلای عالم يك عمل ممدوح است، از اطراف صدا بلند می‌شود که «اینها تروریستند؛ اینها ظالمند! چرا کشتید؟! چرا زدید؟! چرا تسلیم نشدید؟! چرا سازش نکردید?!»

دیگر از این بالاتر فساد در این دنیا نمی‌شود! فساد یعنی این! «ما ملئت ظلماً و جوراً (54)» یعنی این! يك عده در اروپا در «یوگسلاوی» سابق جمع شدند و يك عده مردم همین منطقه مردم بوسنی هرزگوین را که مال آن‌جا بودند، اهل آن‌جا بودند، نه مهاجرند، نه خودشان، بلکه ده‌پشتشان، مردمی هستند مال همان سرزمین و از همان نژاد، محاصره کردند، بمب روی سرشان ریختند، زندگی‌شان را ویران کردند، خودشان را بیرون کردند، هزاران نفر از آنها را کشتند، اموالشان را غارت کردند، در اردوگاهها بدترین بلاها را بر سرشان آوردند و حتی به نوامیسشان تعرض کردند؛ آن وقت همین آقایان مدعیان دفاع از حقوق بشر و حقوق زنان و حقوق حیوانات و حقوق کودکان و از این دروغها که در دنیای امروز رایج است، نشستند تماشا کردند! به تنها کاری که دست زدند، این بود که منطقه را محاصره کردند تا سلاح به اینها نرسد!

عجب! اقوام مسلح کروات و صرب که احتیاج به سلاح کسی ندارند، آمده‌اند يك قوم غیر مسلح را محاصره کرده‌اند و

شما می‌آیید دور اینها زنجیر می‌کشی که احدی به این منطقه سلاح نیاورد؟! این معنایش چیست؟! آیا وقاحت نیست که کسی این را «صلح‌طلبی» بنامد؟! این صلح‌طلبی است یا قتل عام آن عده مسلمان بیچاره است؟! این منکر بزرگ در دنیا، این است. فساد بزرگ یعنی این. الان هم تقریباً دو سال است که این مسأله‌ی مسلمان‌کشی در منطقه‌ی یوگسلاوی سابق در جریان است. در این دو سال نیز همین‌طور فقط حرف زدند. آنهایی را هم که جدی می‌خواستند کار کنند، نگذاشتند. ما در این قضیه، جدی بودیم. هم مردمان، هم جوانانمان، هم دولت‌مان و هم دستگاه‌های کشور، بینی و بین‌الله همه حاضر بودند برای همه‌ی کارهایی که می‌توانستند. بعضی کشورهای اسلامی دیگر هم، جدی بودند. این را هم ما بالعیان دیدیم که انصافاً بعضی از کشورهای اسلامی در این قضیه جدی بودند و ملاحظه‌ی آمریکا و غیر آمریکا را نکردند. آنهایی را که جدی بودند، پشت خط نگذاشتند؛ چرا که منطقه، دست آنهاست.

آقایان! ایرانیان! مسلمانان! مردم دنیا! بدانید اینها در مورد جنگ ایران و عراق نیز همین کار را می‌خواستند بکنند، منتها نتوانستند. آرزوی اینها این بود که آن بلایی که در اروپا بر سر مسلمانان بوسنی هرزگوین آمد، در این جا بر سر مسلمانان ایران بیاید. می‌خواستند در افغانستان بر سر افغانهای مسلمان، همین بلا بیاید. اینها این را آرزو داشتند و می‌خواستند؛ اما نتوانستند. حالا در آن جا ناخانشان بند شده است به این بیچاره‌های هم منطقه‌ای خودشان که اروپایی هم هستند. این، وضع دنیا و فساد اخلاقی دنیاست.

البته علم پیش‌رفته است. یک عده می‌نشینند به پیشرفته‌های علمی آمریکا و بقیه‌ی جاها نگاه می‌کنند و حسرت می‌خورند. پیشرفت علمی، مسلماً ستایش دارد. عقب‌ماندگی علمی کشورهای عقب افتاده، مسلماً یک نکبت است و خدا کسانی را که این نکبت‌ها را بر سر ملت‌های مسلمان آوردند، مورد عذاب متزاید خودش قرار دهد و لعنت خدا بر دودمان مشووم و ننگین پهلوی و قاجار که این بدبختی را اینها بر سر ملت ما در طول دو بیست سال گذشته آوردند. والا ما از لحاظ علمی، از آمریکا بسیار جلوتر بودیم؛ ما از لحاظ علمی، در روزگاری از اروپا بسیار جلوتر بودیم. همین سلاطین، همین حکومت‌های جائر، همین فرعون‌ها و طاغوت‌ها؛ همین‌هایی که حالا پس‌مانده‌ها و تفاله‌هایشان در این جا و آن جا مجله و روزنامه منتشر می‌کنند و دم از همه چیز می‌زنند، نگذاشتند این ملت پا به پای ملل عالم، بلکه جلوتر از آنها، پیش برود. بله؛ عقب‌ماندگی علمی تأسف دارد. راهش هم این است که جوانان، بزرگ‌ها، پیرها، دانشمندان و مسؤولین، همه و همه بکوشند و این خلأ را پر کنند. اما این که فلان کشور پیشرفت علمی دارد، دلیل رستگاری آن کشور و آن ملت نیست. این را بدانید. ای بسا ملت‌هایی که از لحاظ علمی، امروز در اوجند، اما تا خرخره در لجن و فساد غوطه می‌خورند. همین الان در دنیا، با نام‌های بزرگ و زیر چتر ابرقدرتی، چنین ملت‌هایی زندگی می‌کنند. این را بدانید. در آن کشورها، زن، سیه‌روز است؛ مرد، بیچاره است؛ جوان، نابود شده است. دست‌های فساد و فحشا و اعتیاد و جنایت و همه‌ی فنون بدبختی بشر، در آن جا قتل عام و بیداد می‌کند. منتها پوشش تبلیغاتی نمی‌گذارد این فجایع و مفاصد برملا شود. وقتی یک بلندگوی قوی دست یک جاهل و یک ظالم باشد، در بین هزاران نفری که بلندگو ندارند ولو میان آن هزاران نفر، از علما و فضلا و آدم‌های حسابی باشند صدای این، بر صدای همه‌ی آنها غالب خواهد شد. امروز، دنیا این‌گونه است.

امروز شبکه‌ی تبلیغاتی دنیا، دست صهیونیست‌هاست. همین خبرگزاری‌های معروف، اغلبشان صهیونیست‌هاست. صهیونیست‌ها نسبت به اسلام چه خواهند گفت؟ نسبت به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی چه خواهند گفت؟ نسبت به آن قدرتی که پای مسأله‌ی فلسطین و آرمان فلسطین ایستاده است چه خواهند گفت؟ معلوم است که سر تا پا، یا فحش است، یا تهمت است. اگر نباشد، باید تعجب کرد. این، یک نکته در باب امروز که به طول انجامید.

نکته‌ی دوم را کوتاه عرض می‌کنم و آن، مسأله‌ی وحدت است. عزیزان من! مسلمانان دنیا، زیر نام نبی اکرم

صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، راحت تر و سہلتر از ہمہ چیز، می توانند متحد شوند. این، خصوصیت آن بزرگوار است. من بارها عرض کرده ام: «آن بزرگوار، مجمع و ملتقای عواطف مسلمانان است. مسلمان، به پیغمبر خود عشق می ورزد.» خدایا! تو شاهی که دلہای ما مالمال از محبت پیغمبر است. از این محبت، باید استفاده کرد. این محبت، راهگشاست. امروز مسلمانان به اخوت و برادری احتیاج دارند. امروز شعار «اتما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم (55)» از ہمیشہ جدی تر است. امروز این ضعف و ذلتی که مسلمانان کشورهایی در دنیا دچار آن شده اند، ناشی از ہمین تفرق و اختلاف است. اگر مسلمانان متحد بودند، فلسطین این طور نمی شد. بوسنی آن طور نمی شد. کشمیر آن طور نمی شد. تاجیکستان این طور نمی شد. مسلمانان اروپا، آن طور در محنت زندگی نمی کردند. مسلمانان در امریکا، آن طور مورد زورگویی قرار نمی گرفتند. علت این است که ما با ہم اختلاف داریم.

منادی وحدت، جمهوری اسلامی بود؛ ہمہی قدرتهای استکباری ریختند سر جمهوری اسلامی! البتہ جمهوری اسلامی، یک تنہ از پس ہمہی آنها برآمد. چرا؟ چون منادی وحدت بود و آنها با وحدت دشمنند. وحدت مسلمین، به ضرر آنهاست؛ لذا سعی می کنند وحدت را بشکنند. من عرض می کنم: علمای شیعه و سنی، در ہر جای دنیا کہ هستند، و از جملہ در کشور عزیز ما، باید مواظب باشند. این وحدت در ایران، گران بہ دست آمدہ است. این ندای وحدت در دنیا، گران جا افتادہ است. این را آسان نشکنید! ہر کہ بشکند خیانت کردہ است؛ ہر کہ می خواهد باشد، فرقی نمی کند سنی باشد یا شیعه باشد.

این کہ امام بزرگوار توانست اسلام را عزیز کند، بہ برکت ایجاد احساس وحدت در بین مسلمین بود. مسلمان در اقصی نقاط عالم، بہ نام امام حرکت می کرد. فکر نمی کرد کہ «مذہب من چیست؟» «من سنی ام، او شیعه است.» «او سنی است، من شیعه ام.» این حالت برای دشمن، حالت مضرّی است. دشمن می خواهد این را بشکند. حال اگر دوست این را بشکند چہ؟ اگر بہ جای قدرتهای استکباری، خود من و شما، با حرف زدندان، با نوشتنمان، با گفتنمان، این وحدت را بشکنیم، شیعه را از سنی، سنی را از شیعه جدا کنیم، چہ می شود؟ بعد کہ اینہا از ہم جدا شدند، نوبت می رسد بہ فرقه های سنی: این فرقه را از آن فرقه، اصحاب این اصول را از اصحاب آن اصول، اصحاب این فروع را از اصحاب آن فروع. بعد نوبت می رسد بہ شیعه: این فرقه را از آن فرقه، این دستہ را از آن دستہ! مگر بر کسی ابقا می کنند چرا ما باید بہ خواست دشمن حرکت کنیم؟ این کہ امام این قدر روی مسألہی «وحدت» تکیہ می کردند، برای این است کہ این، یک مسألہی احساساتی نیست. این یک مسألہی عقلانی است. ہر کس بہ مقدّسات آن فرقہی دیگر اہانت کند، اگر با خشونت و اہانت با فرقہی دیگر برخورد کند، بہ ہر اندازہ کہ بُرد کار او باشد، بہ این وحدت ضربه زدہ است؛ ہر کہ می خواهد باشد.

البتہ بندہ یک کوت کتاب از کتابہایی دارم کہ با دلارهای نفتی عالم نماہای ضدّ شیعه باید گفت ضدّ اسلام و ضدّ قرآن علیہ شیعه و علیہ امام و علیہ انقلاب نوشته اند، و یک نسخہ اش این جا نصیب ما شدہ است کہ ما ہمین طور نگاہ کنیم ببینیم چہ کار می کنند؟ متقابلاً باید چہ کار کرد؟ این ہمہ تلاش مبارک و مخلصانہ برای تقریب انجام می شود ہمین مجمع تقریبی کہ ما این جا داریم، یا بقیہ تلاشہایی کہ در دنیا برای تقریب می شود ہمہی اینہا را رها کنیم برای این کہ جاہلی یا خبیثی یا مزدوری حرکتی کردہ است؟! عوض افشاگری، شروع کنیم بہ کار متقابل، اہانت، ایجاد تفرقہ؟! این درست است؟! این همان چیزی است کہ بزرگداشت ولادت نبی اکرم، از آن منع می کند.

پروردگارا! بہ محمد و آل محمد، امت اسلامی را بہ سمت فلاح و نجاج ہدایت فرما! ما را با تکالیفمان آشنا کن. روح مقدّس امام بزرگوار را با پیغمبر محشور کن. شہدای عزیز این راہ را با شہدای صدر اسلام محشور کن. ما را بہ وظایف خودمان آشنا فرما! قلب مقدّس ولی عصر ارواحنفاہ را از ما راضی فرما.

والسّلام علیکم ورحمة اللّٰه و برکاته

53) نهج البلاغه: خطبه ی دوم (پس از بازگشت از جنگ صقین)

54) یملاً الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً / اعلام الوری: ص 401 (حدیث نبوی)

55) حجرات: 10.